

تحلیل گفتمان جایگاه توسعه در کنش‌گری جنبش دانشجویی عدالتخواه

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

DOI:10.22034/jeds.2024.59454.1772 شناسه دیجیتال

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

حدا داوری^۱

مهدی کرمانی^{۲*}

احمدرضا اصغرپور ماسوله^۳

روح الله اسلامی^۴

چکیده

در طول دو دهه گذشته، مواضع جنبش دانشجویی عدالتخواه در بسیاری از موضوعات چالش برانگیز شده است. هدف این مقاله بررسی جایگاه توسعه در گفتمان این تشکل دانشجویی است. با توجه به تاثیر گفتمان جنبش‌های دانشجویی بر گفتمان موثر جامعه و تاثیرش بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی، بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، باید مشخص ساخت که گفتمان این تشکل، چه معنایی از توسعه را حفظ و چه معنایی را طرد می‌کند. الگوی تحلیل در این تحقیق، گفتمان تلفیقی فرکلاف و لاکلا و موفه، برای نیل به این هدف کارآمد است. بر پایه این الگو، ابتدا ویژگی‌های صوری بیانیه‌ها و سخنرانی‌های افراد شاخص از منظر واژگان، نظام آوایی و دستور زبان در سه سطح محتوا و روابط موجود در متن و همچنین هویت‌هایی که در سطح متن تصویر می‌شوند؛ بررسی شد. در ادامه، در سطح تفسیر با استفاده از تلفیق فرکلاف و لاکلا و موفه، گفتمان‌های موجود در متون بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها شناسایی شدند. در سطح تبیین، جایگاه گفتمان مورد مطالعه در مناسبات قدرت مشخص شد. یافته‌ها نشان می‌دهد هر چند این گفتمان دال «تمدن‌گرایی اسلامی» را به عنوان بدیل توسعه معرفی می‌کند، اما همچنان با رویکرد وابستگی قرابتی اساسی دارد. در گفتمان جنبش، نسبت به مقوله‌هایی چون عدالت طلبی، اقتصاد مقاومتی، استکبار ستیزی و استعمار ستیزی و مبارزه با فساد برجسته‌سازی آشکار صورت پذیرفته است. در مقابل، توسعه غربی، اشرافی‌گری و جناح‌بندی‌های سیاسی، با شدت بالا به حاشیه رانده شده‌اند. گفتمان‌های غایب این جنبش شامل صلح طلبی، مقوله زنان، دموکراسی خواهی، آزادی خواهی، حقوق بشر و امر روزمره است.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. Hoda_davary@yahoo.com
۲. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) m-kermani@um.ac.ir
۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. asgharpour@um.ac.ir
۴. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. eslami.r@um.ac.ir

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، جنبش دانشجویی، جنبش عدالتخواه، توسعه، عدالت

مقدمه

کنشگری دانشجویی در ایران در مقاطع مختلف تاریخی، سمت و سوی گفتمانی مختلف را تجربه کرده است. این گفتمان‌های متفاوت هم در اتفاقات و جریان روز بسیار اثرگذار بوده است و هم تاثیر بسزایی از جریان‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زمانه خود دریافت نموده است. شواهد تاریخی از تاثیرات این فعالیت‌ها بر فرایندهای اجتماعی و سیاسی کشور حکایت دارد. دانشگاه از بارزترین مصادیق عرصه عمومی است؛ هر عرصه عمومی فضایی برای به چالش کشیدن نظم‌های موجود و مورد سوال قرار دادن روابط و توزیع قدرت موجود است. همچنین، جایگاهی برای تولید و انباشت اطلاعات و در نتیجه ایجاد و تامین معنا می‌باشد. همچنین به سبب قرارگیری دانشجو در این موقعیت با ویژگی‌های خاص خودش که پیامد سن و نقش اوست، هرگونه کنشی در این بستر می‌تواند بسیار تاثیرگذار و گاه گفتمان‌ساز باشد. جایگاه دانشجویی، به واسطه رهایی بالنسبه از مجاری ثروت و قدرت، خواسته‌های آرمان خواهانه‌ای را دنبال می‌کند که گاه خواسته‌ها و آرمان‌هایش، گفتمان غالب جامعه می‌شود.

جنبش عدالتخواه دانشجویی تشکلی است که در دهه ۹۰ به واسطه موضع‌گیری‌های جنجال برانگیزش، معروف شد. این تشکل پس از صدور پیامی از سوی رهبر انقلاب در سال ۱۳۸۱ به دانشجویان در خصوص اینکه مهم‌ترین مساله کشور «عدالت» است، تشکیل شد. گروهی از اصول‌گرایان از موسسات فرهنگی مختلف در کنار یکدیگر قرار گرفتند و جنبش عدالتخواه دانشجویی را شکل دادند. این جنبش در اواخر سال ۱۳۸۲ توسط نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه به رسمیت شناخته شد. هر چند خیلی از دانشگاه‌ها به این تشکل مجوز ندادند، اما فعالیت‌های خاص این تشکل سبب معروفیت و شهرت آن شد. این جریان از ابتدا سعی داشت خود را فارغ از دغدغه‌های جریان‌های سیاسی و فراتر از این جریانات تصویر کند و پیگیری آرمان‌های انقلاب در جهت حمایت از مستضعفان را وظیفه خود می‌دانست. این تشکل خود را فراتر از «هیاهوی جنگ‌های سیاسی و دعوای اصول‌گرا و اصلاح‌طلب» معرفی می‌کند و هدف و آرمان خود را «لزوم توجه به محرومین و مستضعفین و مبارزه با فساد» معرفی می‌کند. از فعالیت‌های قابل توجه این جریان می‌توان به اعتراض به وضعیت کارتن خواب‌ها، قراردادهای نفتی و فساد در بدنه دستگاهی کشور، اشاره کرد. مرور مواضع و جهت‌گیری‌های این تشکل از ارتباط ویژه آن با قدرت و تاثیرگذاری بر مناسبات رسمی خبر می‌دهد. انتقاد تند و پرحاشیه این تشکل به رئیس‌جمهور وقت، رئیس قوه قضائیه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و یا موضع‌گیری و کنش‌گری این تشکل نسبت به سیاست دولت سعودی که در قطع ارتباط با این

کشور موثر واقع شد و همچنین موضع‌گیری نسبت به توافق نامه برجام که به عنوان برنامه رسمی کشور پیش می‌رفت، بدون اینکه با بازخورد قضایی یا انضباطی مشهودی همراه شود، نشانگر جایگاه خاص این تشکّل در مناسبات قدرت است. پیشینه تاریخی کنشگری دانشجویی در ایران و توانایی آن برای تبدیل به جنبش در برهه‌های مختلف تاریخی و همچنین جایگاه این تشکّل در ارتباط با مناسبات قدرت رسمی، ضرورت بررسی رویکرد «جنبش عدالتخواه دانشجویی» به توسعه را نمایان می‌سازد. از سوی دیگر، اهمیت فعالیت دانشجویی در دانشگاه به عنوان عرصه عمومی، در گفتمان سازی و نقد گفتمان‌های موجود سبب می‌شود به جایگاه توسعه به عنوان کلیدی‌ترین عنصر پیشرفت هر جامعه، حساس باشیم. همچنین وجود رویکردها و تعاریف مختلف و گاه متضاد از توسعه را نمی‌توان انکار کرد. تفاوت‌هایی که سبب تغییرات متفاوتی در ساخت کشور و زندگی مردم گشته است. گوناگونی که نشان از تنوع گفتمان‌های مختلف در این حوزه دارد. این گفتمان‌ها گاه مفاهیمی مانند افزایش رفاه مادی و رشد اقتصادی با تمرکز بر نسخه‌برداری از غرب (رستو، ۱۹۶۰) و یا در قطب مخالف آن تمرکز کامل بر نسخه بومی (فرانک، ۱۹۹۴) را به عنوان دالّ مرکزی بر می‌گزینند، گاه افزایش امنیت و آزادی را و یا حتی گاهی، نشر دانش و معارف محلی و فرهنگ عامه (اسکوبار، ۱۹۹۵) را دالّ مرکزی معرفی می‌کنند. این تنوع در گفتمان‌های توسعه سبب می‌شود نتایج متفاوتی از کاربست این مفهوم در عمل حاصل آید. تحلیل و بررسی گفتمان این تشکّل از منظر توسعه با توجه به ادعای آن نسبت به نمایندگی جنبش دانشجویی و همچنین مناسبات خاص آن، می‌تواند مشخص سازد گفتمان این حوزه از کنشگری دانشجویی چه معنایی را از توسعه حفظ می‌کند و چه معانی دیگری را طرد می‌کند. در واقع هدف ما در این پژوهش این است که مشخص سازیم گفتمان این تشکّل چه مفاهیمی را با توجه به حوزه فعالیت آن در دانشگاه به عنوان عرصه عمومی می‌تواند وارد گفتمان رسمی نماید و یا مورد انتقاد قرار دهد. از سوی دیگر، چشم‌انداز این گفتمان به جایگاه توسعه را در لایه‌هایی از قدرت رسمی، تبیین نماییم.

ادبیات پژوهش

چارچوب مفهومی مبنای تعریف پژوهش‌های کیفی هستند و شامل مفاهیمی است که قرار است در پژوهش بررسی شوند. این چارچوب سعی می‌کند مفاهیم را در یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به یکدیگر پیوند دهد (محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷: ۵). بررسی نظری این مفاهیم موجب

-
1. Rostow
 2. Frank
 3. Escobar

افزایش حساسیت نظری و درک عمیق‌تر مسئله تحقیق و آشنایی با ابعاد مختلف آن می‌شود. با این توضیح، مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

تحلیل گفتمان

نظریه گفتمان در زبان‌شناسی متولد شده و تاکنون مراحل مختلفی را گذرانده است. این سیر تحول در زبان‌شناسی در قالب تحلیل گفتمان ساخت‌گرا، تحلیل گفتمان نقش‌گرا و تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان خلاصه کرد. فرکلاف در زمره تحلیل گفتمان انتقادی جای می‌گیرد. اما گونه دیگر از نگرش به گفتمان در حوزه فلسفه سیاسی بنیان نهاده شد. این نگرش را میشل فوکو نمایندگی می‌کند و مطرح می‌سازد گفتمان نه تنها بزرگ‌تر از زبان است، بلکه تمامی حوزه اجتماع را فرا می‌گیرد. لاکلا و موف در ادامه این جریان و بسط اینکه گفتمان سازنده جهان است، قرار می‌گیرند (کلانتری، ۱۴۰۰: ۸۶). بر اساس رویکرد انتقادی، واقعیت امری تاریخی و فرایندی است و معلول عوامل اجتماعی، سیاسی، کنشگران قدرتمند و کنش جمعی است. واقعیت امری چند لایه است که دارای سطح ظاهری و حقیقی می‌باشد. از سوی دیگر، شیوه سخن گفتن ما درباره جهان هویت‌ها و روابط اجتماعی، این مقولات را به شکل خنثی نشان نمی‌دهد بلکه نقشی فعال در ایجاد و تغییر آن‌ها ایفا می‌کند. زبان دستگاهی است که جهان اجتماعی را می‌سازد و هرگونه تغییر در گفتمان وسیله‌ای برای تغییر در جهان می‌باشد (یورگنسن، ۱۳۹۶).

برخلاف تفاوت‌های این دیدگاه‌ها، هر دو بر نکات مشترکی تاکید دارند. ۱- ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تا حدودی خصلت زبانی-گفتمانی دارند. ۲- گفتمان هم سازنده جهان اجتماعی است و هم خودش می‌تواند توسط دیگر پرکتیس‌های اجتماعی ساخته شود. ۳- به تجزیه و تحلیل انضمامی، زبان شناختی متن و کاربرد زبان در تعاملات اجتماعی می‌پردازد. ۴- گفتمان به خلق و بازتولید مناسبات قدرت نابرابر میان گروه‌های اجتماعی نابرابر کمک می‌کند. ۵- تحلیل گفتمان انتقادی تحت عنوان رهایی بخش جانب گروه‌های اجتماعی ستم دیده را می‌گیرد (یورگنسن، ۱۳۹۶).

کنش‌گری دانشجویی^۲

فعالیت یا کنش‌گری را به عنوان مشارکت فعال و داوطلبانه افراد در رفتار گروهی به منظور ایجاد تغییر در نگرش‌ها، دانش، رفتار یا نمادها تعریف کرده‌اند (چامبرز و فیلیپ^۳، ۱۹۹۳). این تعریف هرچند مشارکت در گروه را یکی از مولفه‌های مهم کنش‌گری می‌داند، اما تاکیدش بیشتر بر

1. Yourgenon
2. Student activism
3. Chambers and Phelps

تغییر نگرش و رفتار است. کامیو^۱ (۲۰۱۰) کنشگری دانشجویی را در یک طیف دسته‌بندی می‌کند؛ از یک سطح منفعل درگیری مانند آگاهی از موضوعات صنفی و محلی، منطقه‌ای یا ملی تا کنش‌گری فعال که شامل شرکت فعالانه در میتینگ‌ها و اعتراضات به آگاهی‌های بدست آمده می‌باشد. کنش‌گری دانشجویی ابزاری برای آموزش فرایندهای دموکراتیک، شهروندی و رهبری به دانشجویان می‌باشد. کیزر و ماکسی^۲ (۲۰۱۴) معتقدند محیط دانشگاهی که از فعالیت‌های دانشجویی حمایت می‌کند و بستر مناسب برای این امر را فراهم می‌کند، می‌تواند آموزگاران خوبی برای ارزش‌های دموکراتیک در جامعه باشند و سبب درونی شدن این ارزش‌ها برای شهروندان شوند. استکلبرگ و کلاندرمن^۳ (۲۰۱۳) چارچوب نظری را مطرح می‌سازند که بر اساس آن معتقدند فعالیت‌های دانشجویی می‌تواند به اعتراضات دانشجویی بدل شود. این مدل، هویت مشترک، مطالبه مورد درخواست و حس خشم و اعتراض را لازمه پدید آمدن اعتراضات می‌داند. رودریگز و لیندر^۴ به بررسی ویژگی‌های محیطی فعالیت دانشجویی پرداختند و عنوان کردند محیط دانشگاه فضایی امن برای کنشگری می‌باشد، فضایی که در آن به حاشیه راندن، نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها اندک است.

توسعه

توسعه با توجه به خاستگاه نظری و موقعیت زمانی و مکانی تنظیم نظریه، جهت‌گیری‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی متفاوتی را دنبال می‌کند. نظریه نوسازی^۵ که ریشه فلسفی آن در کارکردگرایی ساختاری است، توسعه را فراتر از رشد می‌بیند. هدف غایی توسعه را کپی‌برداری از پیشرفت‌های غرب معرفی می‌کند. هوزلیتز^۶ (۱۹۶۰) اقتصاددان، نظریه نوسازی اقتصادی را مطرح می‌سازد و بر تغییرات فرهنگی به عنوان پیش شرط توسعه اقتصادی تأکید دارد. در جوامع توسعه‌نیافته، از دیدگاه او، توزیع نقش‌های اقتصادی بر مبنای خاص‌گرایی انجام می‌شود. نخبگان آن خودمحور هستند بجای آنکه جمع محور باشند. تفکیک نقش در این جوامع اتفاق نیفتاده است. انتساب بر انتخاب ترجیح دارد. استفاده از تغییر قدرت سیاسی را برای رسیدن به جامعه توسعه‌یافته را مهم می‌دانند. روستو (۱۹۶۰) از منظر تاریخی به توسعه می‌نگرد. سیری که از جوامع مبتنی بر کشاورزی و ساخت اجتماعی سلسله‌مراتبی آغاز می‌شود و با دخالت خارجی و حضور فناوری به رشد سرمایه‌گذاری و تغییر نهادهای سیاسی و افزایش نیروی تخصصی

1. Komives
2. Kezar and Maxey
3. Stekelenberg & Klanderan
4. Linder & Rodriguez
5. Modernization theory
6. Hozelitz

می‌انجامد (پیت و هارت ویک، ۱۴۰۱: ۵۴-۷۲). در مقابل نظریه نوسازی، نظریه وابستگی توسعه اروپا را منجر به توسعه‌نیافتگی دنیای غیراروپایی می‌دانند. آندره گوندر فرانک (۱۹۶۹) نسبت دادن توسعه‌نیافتگی به سنت‌گرایی را یک خطای تاریخی می‌خواند؛ و حضور و نفوذ کشورهای اروپایی را سبب توسعه‌نیافتگی معرفی می‌کرد. سمیر امین^۱ (۱۹۷۶) مقدار مازاد منتقل‌شده از کشورهای فقیر را سبب متوقف شدن رشد کشورهای کمتر توسعه‌یافته می‌داند (سامیون، ۱۳۹۹: ۱۲۶ تا ۱۶۴). جریان پس‌ساختارگرا با بسط دامنه مفهوم توسعه به حوزه گفتمان، حقیقت و مجاز؛ نگاه تازه‌ای به توسعه را مطرح ساخت. آرتور اسکوبار^۲ (۱۹۹۵) توسعه را زبان قدرت نامید. او عنوان می‌کند روابط قدرت سبب می‌شود گفتمان توسعه به شکلی خاص معرفی شود و این گفتمان باعث چارچوب‌بندی هویت‌ها و تصورات در خصوص توسعه با در نظر گرفتن سه مؤلفه اصلی صنعتی شدن، حرفه‌ای شدن و ادغام در غرب می‌شود. اسکوبار بر اهمیت دانش محلی در ساختن بدیل‌هایی برای توسعه تأکید می‌نمود (پیت و هارت ویک، ۱۴۰۱: ۷۸-۸۲). در نهایت، همان‌گونه که تودارو (۱۳۶۶: ۱۳۵) مطرح می‌سازد، توسعه جریانی چند وجهی است که مستلزم تغییرات اساسی و تجدید سازمان و جهت‌گیری در مجموعه نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در سطوح ملی و بین‌المللی و در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و سیاسی و در طرز تلقی و حتی آداب و رسوم، و باورهای مردم است، به‌نحوی که هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی و ملت‌ها، جامعه و جهان را از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج نموده و به‌سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق دهد. بر مبنای رویکرد گفتمانی اتخاذ شده در این پژوهش، نگاهی انتقادی به دانش بدیهی انگاشته شده داریم و امکان مقاومت و تغییر در برابر ایدئولوژی از طریق کنش‌های گفتمانی را امکان‌پذیر می‌دانیم و از آنجا که توسعه را با تعریف تغییر چند بعدی سازمان یافته در نظر گرفتیم و همچنین سیاست‌های توسعه‌ای در قالب برساخت‌های گفتمانی امکان‌پذیر می‌دانیم؛ لزوم بررسی گفتمان کنشگری در مواجهه با توسعه مشخص می‌شود. همچنین بر همین مبنا نظریات و مفاهیم توسعه مورد بررسی قرار گرفت تا بتواند در تبیین یافته‌ها و مشخص ساختن رویکرد گفتمان این جریان به توسعه یاریگر باشد.

پیشینه تجربی تحقیق

1. Samir amin
2. Arturo eskobar

در پژوهشی با نام «آموزش عالی بعد از نئولیبرالیسم: کنشگری دانشجویی به عنوان چراغ هدایت»، که کول و هاینکه^۱ (۲۰۱۸) انجام داده اند، به تحلیل گفتمان‌های فعالیت‌های دانشجویی در دانشگاه‌های آمریکا در خصوص گفتمان نئولیبرال حاکم بر آموزش عالی می‌پردازند و سه گفتمان نقد دانشگاه نئولیبرال، مقاومت در برابر آن و ایجاد گفتمان مخالف آن در فعالیت‌های دانشجویی؛ را از این پژوهش نتیجه می‌گیرند. سورنتا و فیتزسایمون^۲ (۲۰۱۷) در تحقیق «دانشجویان خاموش: مقاومت دانشجویی در یک دانشگاه بنگاه مدار» مطرح می‌سازد دانشگاه نقش مهمی در زنده نگاه داشتن قدرت انتقادی، تربیت روشنفکر دارد و فرصتی برای نقد کاستی‌های اجتماعی و سیاسی نظام نئولیبرال است. در سال ۲۰۱۹ «بررسی پدیدارشناسانه فعالیت‌های دانشجویی در دانشگاه‌های نئولیبرال» توسط کارتر و رایین انجام می‌شود و عنوان می‌کنند شعارهای غیرسیاسی و مصرف زده کردن زندگی دانشجویی از ویژگی‌های نئولیبرالیسم برای زندگی دانشجویان است و این ویژگی‌ها بر روند کنشگری دانشجویی تاثیر می‌گذارد. دانشجویان فعالیت‌هایشان را از منظر استعاره‌های مصرف‌کننده شکل می‌دهند و با همین گفتمان سعی می‌کنند تا به سیاست‌گذاری و پیکربندی کنشگری خود در محیط دانشگاه بپردازند. ابراهیم (۲۰۱۰) پژوهشی با نام «بین انقلاب و شکست: چرخه‌های اعتراض دانشجویی و شبکه‌ها» انجام داد که به بررسی جنبش‌های اعتراضی دهه ۱۹۶۰ می‌پردازد. او مطرح می‌سازد با توجه به گذار سریع شرایط سنی، تاثیرات جنبش دانشجویی اندک است اما بر اساس تحلیل شبکه‌های اجتماعی می‌توان مدعی شد فعالیت سیاسی در خلال نسل‌های دانشجویی ممکن است ماندگار بماند. بررسی اعتراضات دانشجویان انگلستان در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ که توسط هاپکینز و تاد انجام می‌شود، محور اصلی اعتراضات را، کاهش هزینه‌های دولتی در حوزه آموزش عالی و اجازه این نهاد برای گرفتن شهریه از دانشجویان، مطرح می‌کند. هاپکینز و تاد سعی می‌کنند پس از شناخت دال اصلی گفتمان اعتراضی دانشجویان، تاثیر فضای مجازی را در ساماندهی این اعتراضات را بررسی کنند.

جنبش دانشجویی ایران نیز چه در تحقیقات داخلی و چه تحقیقات خارجی، به لحاظ اهمیت آن در روند سیاسی کشور و همچنین تاثیرگذاری آن بر مناسبات ایران با کشورهای دیگر، مورد بررسی قرار گرفته است. «فرایند طرد و حذف زنان در جنبش دانشجویی ایران» عنوان تحقیقی است که محمد امین زندی و فرشته طوسی در سال ۱۴۰۱ انجام داده‌اند. این پژوهش با روش پدیدارشناسی این فرایند را مورد بررسی قرار داده است. علل آن را در بخش‌های برون جنبشی، درون جنبشی و کنشگر مطرح می‌سازد. که از باور و اعتقادات عمومی و خانواده تا مقاومت در

1. Cole & haneke

2. Suoranta & Fitz Simmons

برابر تغییر جایگاه مردانه را در بر می‌گیرد. «سیاست دانشجویان ایران در دوره پس از اصلاحات» نام پژوهشی است که محمدی در سال ۲۰۰۷ انجام داده است. او با روش تحلیل گفتمان به بررسی بیانیه‌های سازمان دانشجویی در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ می‌پردازد. گفتمان‌های موجود در این جنبش را، عدالت اجتماعی، سنت، توتالیتراریسم، کثرت‌گرایی و دموکراسی اسلامی معرفی می‌نماید. و قدرت این گفتمان‌ها در شکل‌دهی جامعه سیاسی ایران با اهمیت می‌داند. مشایخی (۲۰۰۱)، به تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی جنبش دانشجویی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد. بطور خاص نقش دفتر تحکیم وحدت را در بسیج جنبش، انتخابات خرداد ۷۶ و فرهنگ جدید جنبش در حوزه قانونی و سیاسی می‌پردازد. ریویتی^۱ (۲۰۱۲)، با توجه به اهمیت فعالیت‌های جنبش دانشجویی ایران در مناسبات خارجی این کشور، به بررسی جنبش دانشجویی ایران در پرداخته است. او پردیس دانشگاه را اولین زمینه برای آموزش سیاسی می‌داند. جایی که خط و منش سیاسی افراد برای فعالیت‌های سیاسی بعدی او مشخص می‌شود. او به تعامل بین حکومت و جنبش دانشجویی از منظر استخدام سیاسی و توزیع قدرت می‌پردازد. جلایی‌پور (۱۳۸۹) نیز تجربه جنبش دانشجویی ایران را از پنج منظر نظری، مورد بررسی قرار دهد و دلایل افول فعالیت‌های دانشجویی در دوره اصلاحات یعنی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ توضیح دهد. کچوئییان و کلانتری (۱۳۹۲) با استفاده از نظریات گفتمانی فوکو به مفهوم‌سازی و دوره‌بندی گفتمانی دفتر تحکیم وحدت پرداخته‌اند. پنج دوره گفتمانی از تطور از گفتمان اسلام ناب تا صورت‌بندی تفرق شدید میان دو گفتمان مدرن و اسلام ناب را تصویر کرده‌اند. طاهری‌کیا (۱۴۰۲) در کتابی که منتشر شده پایان‌نامه او با عنوان چگونگی شکل‌گیری سوژه‌های سیاسی در دانشگاه است، به بررسی فرایند این شکل‌گیری پرداخته و نتیجه گرفته این مسیر بیشتر به سمت امر شخصی، امر سیاسی است، پیش می‌رود و چهارگونه سوژه سیاسی در مسیر شکل‌گیری سوژه سیاسی شناسایی کرده است. اکثر این مقالات به بررسی گفتمان و محتوای جنبش‌های مختلف پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند هسته‌های مرکزی این گفتمان‌ها را مشخص سازند، چیزی که در این میان غائب به نظر می‌رسد نسبت این گفتمان با مفهوم توسعه به عنوان دال اصلی برای پیشرفت هر کشور می‌باشد.

در زمینه مفهوم توسعه و معنایی که از آن در حوزه‌های تاثیرگذار بر پیشرفت کشور مراد شده است، تحقیقات داخلی که به این موضوع پرداخته‌اند را بررسی کرده‌ایم. هزار جریبی و صفری شالی (۱۳۹۲) در "گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی" با استفاده از نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به بررسی گفتمان عدالت در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب پرداخته‌اند. بدین منظور گفتمان عدالت را با توجه به سه دولت سازندگی، دولت

اصلاحات و دولت مهر مورد بررسی قرار داده است. مرکزیت و شناور بودن دال عدالت اجتماعی را در برنامه‌های هر سه دولت مشخص نموده‌اند. اباذری و روز خوش (۱۳۹۶) در "چپ اسلامی و توسعه لیبرالی (مورد مطالعه: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)" به بررسی رویکرد جناح چپ سنتی به توسعه بعد از انقلاب اسلامی پرداخته است. این پژوهش از نوع مطالعه موردی است و از روش تحلیل سند و تحلیل مضمون بهره برده است. روزخوش روند تغییرات نگاه چپ سنتی را نسبت به توسعه مورد بررسی قرار می‌دهد و سعی می‌کند نسبت اتفاقات سیاسی و اجتماعی را در سطح کشور با تغییر نگاه و گفتمان جناح چپ سنتی نسبت به توسعه مشخص نماید. تغییر نگاهی که از چپ بودن سنتی از حوزه اقتصادی تا نزدیک شدن به مواضع راست‌گرایانه در این حوزه را نشان می‌دهد. و اما در زمینه پژوهش‌هایی که از منظر خاص برنامه‌های توسعه را مورد تحلیل قرار داده‌اند می‌توان به "تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده" که محمدتقی کرمی در سال ۱۳۹۱، با روش تحلیل گفتمان لاکلا و فرکلاف، به بررسی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب پرداخته است، اشاره نمود. گفتمان اصلاح طلب به توسعه جنسیتی که تلفیقی از رویکردهای توانمند سازی و جنسیت و توسعه است، پرداخته‌اند. و گفتمان اصول‌گرا با نگاهی انتقادی به رویکردهای عمده در نظریات توسعه سعی کرده است خانواده‌گرایی و نظریه‌پردازی بومی را در دستور کار قرار دهد.

تحقیقاتی که در خصوص تحلیل گفتمان کنشگری دانشجویی در ایران انجام شده است، به دنبال شناخت دال‌های مرکزی این کنشگری‌ها بطور عام بوده است و تلاشی برای شناخت جایگاه مفهوم توسعه در این کنشگری‌ها و روند تغییرات نگاه به توسعه صورت نپذیرفته است. این پژوهش تلاش دارد جایگاه مفهوم توسعه را در یکی از جریان‌های دانشجویی نوپا که ادعای دوری از جریان‌های سیاسی راست و چپ و بازگشت به آرمان‌های انقلابی را دارد، مورد بررسی قرار دهد. همچنین با توجه به اینکه پژوهش‌هایی که در خصوص کنشگری‌های ایران صورت گرفته است، نسبت آن را با مفهوم توسعه نسنجیده و منحصر به دفتر تحکیم بوده است؛ سایر کنشگری‌های دانشجویی مورد بررسی قرار دهد و جایگاه مفهوم کلیدی توسعه را در این خصوص مشخص نماید.

روش‌شناسی

با توجه به اینکه هدف این پژوهش بررسی گفتمان‌های حاکم بر جریان دانشجویی جنبش عدالتخواه دهه نود در ارتباط با مفهوم توسعه (برساخت گفتمانی توسعه در کنش‌گری دانشجویی)

می‌باشد، رویکرد انتقادی و روش کیفی به عنوان روش شناسی و تحلیل گفتمان انتقادی^۱ به عنوان روش انتخاب شده است.

بیانیه‌ها و نشریات دانشجویی جنبش عدالتخواه در دهه ۹۰ منبع اصلی اطلاعات مورد تحلیل برای این پژوهش می‌باشد. از آنجا که هدف این تحقیق دستیابی به فهمی از ماهیت پدیده مورد مطالعه جهت بازگشایی معنا، توسعه توصیف‌های ضخیم، تولید ایده‌ها، مفاهیم و نظریه‌های مبتنی بر داده‌هاست، نمونه‌گیری کیفی از نوع نمونه‌گیری با استفاده از تکنیک‌های هدفمند ترکیبی مناسب می‌باشد. در این نوع از چندین راهبرد نمونه‌گیری کیفی استفاده می‌کنیم (محمد پور به نقل از جانسون و کریستنسن، ۲۰۰۸). در این پژوهش، ترکیبی از نمونه‌گیری شدت، مورد سیاسی و نظری، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نمونه‌گیری شدت به معنای نمونه‌ای است که شامل موارد سرشار از اطلاعاتی است که پدیده مورد نظر را بطور حاد اما نه افراطی نشان می‌دهد. نمونه‌گیری مورد سیاسی به انتخاب مواردی می‌پردازد که از نظر سیاسی مهم و حساس هستند. در جهت افزایش فایده و تناسب اطلاعات می‌باشد، بخصوص زمانی که منابع محدودی را جهت مطالعه باید برگزید (محمدپور به نقل از گال، ۲۰۰۶). بدین منظور در این پژوهش، بیانیه‌ها و یا نشریاتی از جریان دانشجویی جنبش عدالتخواه مورد تاکید قرار می‌گیرد که توانسته‌اند جریان سازی انجام دهند، این جریان‌سازی بر مبنای شدت و تعدد واکنش‌ها نسبت به آن بیانیه مشخص شده است؛ و از آنجا که نمونه‌گیری نظری، شیوه دیگر برای نمونه‌گیری در این پژوهش می‌باشد، حجم نمونه اکنون مشخص نمی‌شود. بلکه بر اساس مفاهیم در حال ظهور و سهم مفاهیم در توسعه نظری تحقیق، حجم نمونه انتخاب خواهد شد. ملاک اتمام نمونه‌گیری، رسیدن به درجه اشباع نظری می‌باشد. اشباع نظری زمانی حاصل می‌شود که موردهای جدید دیگر اطلاعات جدیدی در اختیار ما قرار ندهند.

تحلیل گفتمان انتقادی با توجه به تمرکز آن برگفتمان از منظر نشانه شناختی قدرت و تغییرات سیاسی و اجتماعی سطح جامعه، در این تحقیق قابلیت استفاده دارد. در این پژوهش از تلفیق روش فرکلاف و لاکلا و موفه استفاده شده است. فرکلاف^۲ (۲۰۱۳) هر کاربرد زبانی را رخداد ارتباطی می‌داند و آن را شامل سه بعد متن (گفتار، نوشتار، تصویر بصری و...); پرکتیس گفتمانی که تولید و مصرف متن را شامل می‌شود و پرکتیس اجتماعی می‌داند. لاکلا و موفه همه پدیده‌ها را در سطح گفتمانی می‌بینند و نگاهی جامع تر به مباحث قدرت دارند. نکته‌ای که سبب می‌شود با ابزارهای موجود در رویکردشان، بتوانند دال‌های مرکزی و شناور و مفصل‌بندی‌های موجود در متن را بهتر شناسایی کنند. فرکلاف به منظور تحلیل گفتمان هر رخداد ارتباطی، سه

1. Critical Discourse analyses

2. Fairclough

مرحله توصیف، تفسیر و تبیین را پیشنهاد می‌دهد. روش لاکلا و موفه و مفاهیم مرتبط با آن در بخش تفسیر کاربرد دارد.

۱- توصیف: در واقع تحلیل ساخت‌های زبانی و ویژگی‌های صوری متن است. این تحلیل در سه سطح بررسی فرانش تجربی، فرانش رابطه‌ای و فرانش بیانی انجام می‌گیرد. پژوهشگر در این تحقیق متن بیانیه‌هایی که از نظر سیاسی مهم و حساس بوده‌اند و همچنین متن پیاده شده مصاحبه‌های با افراد شاخص و موثر جریان دانشجویی را، از منظر واژگان، نظام آوایی و دستور زبان در سه سطح محتوا و روابط موجود در متن و همچنین هویت‌هایی که در سطح متن تصویر می‌شوند؛ بررسی کرده است. استعاره‌های موجود در متن، اسم‌سازی‌ها، جملات مثبت و منفی و همچنین معلوم و مجهول، عبارت‌بندی‌های افراطی و ... همگی در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- تفسیر: پرکتیس گفتمانی حد واسط میان متن و پرکتیس اجتماعی است و با استفاده از آن مردم از زبان برای تولید و مصرف متن بهره می‌گیرند. نفوذ تاریخ بر متن را با مفهوم بینامتنیت، و نفوذ گفتمان‌ها و ژانرهای مختلف را بر متن با مفهوم میان‌گفتمانی، مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این بعد از روش لاکلا و موفه و مفاهیم مرتبط با آن شامل مفصل‌بندی، شناسایی دال‌های مرکزی و شناور، غیریت‌سازی، برجسته‌سازی و قابلیت دسترسی استفاده می‌شود. همچنین در این قسمت تلاش می‌شود گفتمان‌های موجود در متون بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها شناسایی شود. شناسایی این گفتمان‌ها و غیرسازی‌هایی موجود در این گفتمان‌ها به تشخیص سیر تغییر در این گفتمان کمک می‌کند.

۳- تبیین: در این قسمت گفتمان به عنوان کنش اجتماعی منظور می‌شود و روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی که در شکل دادن این گفتمان موثر است، بررسی می‌شود. در این مرحله مشخص می‌سازیم چه عناصری از دانش زمینه‌ای که در متون مورد نظر ما مورد استفاده واقع شده‌اند، دارای خصوصیات ایدئولوژیک هستند و آشکار می‌سازیم جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی چه می‌باشد. این مرحله قابلیت استفاده از نظریه‌ها برای تبیین جایگاه مفهوم توسعه در گفتمان کنشگری دانشجویی را دارد.

یافته‌های پژوهش

این تشکّل در بیانیه‌ای که در سال ۱۳۹۲ بعد از پیروزی حسن روحانی با هدف نقد همراهان عدالت طلبانه‌اش با عنوان «مولفه‌های واقعی گفتمان عدالت طلبی از نسخه‌های بدلی تمیز داده شود» به بررسی اهداف و پیشینه تشکّل می‌پردازد:

«قریب به ۱۰ سال پیش بود که در میان هیاهوی جنگ‌های سیاسی و دعوای اصولگرا و اصلاح طلب و در شرایطی که گفتمان غالب بر فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور با دغدغه‌های مردم و به ویژه محرومین و مستضعفین فرسنگ‌ها فاصله داشت و در فضایی که تبعات توسعه اقتصادی تقلیدی از غرب و پس از آن توسعه سیاسی ناموزون آثار خود را بر فضای کشور بر جای گذاشته بود، طیفی از دانشجویان و جوانان که مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی نگاهی انتقادی نسبت به اوضاع جاری کشور و عملکرد قوای مختلف داشتند، با مرور سخنان امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب، خط مبارزه بی‌امان با فقر و فساد و تبعیض را که رهبری طی دو پیام به سران قوا و جنبش دانشجویی ابلاغ نمودند پی گرفتند و با سردادن شعارهایی چون مبارزه با مفاسد اقتصادی، لزوم توجه به محرومین و مستضعفین در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، لزوم مقابله با ویژه‌خواری‌ها، ضرورت آسیب‌شناسی مسیر حرکت نظام جمهوری اسلامی و امثالهم و اقدام عملی و اجتماعی منطبق با این اصول و شعارها، جریانی را شکل دادند که تحت عنوان «جریان عدالت خواهی» شناخته شد.» (کانال تلگرامی جنبش عدالتخواه).



شکل شماره ۱: حاشیه رانی‌های آشکار

در سال ۸۶، این گروه در مراسمی با نام «قصاص جالوت» جایزه‌ای برای اعدام انقلابی برخی مقامات اسرائیل تعیین کردند. در سال ۱۳۸۷ و به دنبال حمله اسرائیل به نوار غزه نیز این دانشجویان در فرودگاه مهرآباد تحصن چندروزه کردند که برای مبارزه با اسرائیل اعزام شوند. از دیگر فعالیت‌های این گروه در دهه ۸۰ می‌توان به پیگیری پرونده قراردادهای نفتی، بویژه قرارداد کرسنت^۱ و جایگاه فرزند یکی مسئولان در این پرونده بود. جنبش عدالتخواه در بیانیه‌ای به انتقاد از قراردادهای نفتی می‌پردازد و عنوان می‌دارد:

۱. قراردادی برای فروش روزانه معادل ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گازاست، که در سال ۱۳۸۱ و در زمان وزارت بیژن نامدار زنگنه در دولت هفتم مابین شرکت کرسنت پترولیوم و شرکت ملی نفت ایران منعقد گردید. اجرای این پروژه در سال ۱۳۸۴ با

«مردم انقلابی، مستقل و توانمند جمهوری اسلامی ایران طعم تلخ فساد بی‌سابقه نفتی کرسنت و فسادهای مشابه را تحت اشراف آقازاده‌ها و رانت‌جویان مفسد اقتصادی چشیده‌اند و نیک دریافته‌اند که علت‌العلل بروز چنین فسادها و خیانت‌هایی در ساختارهای معیوب سیستم اداری کشور، نشأت گرفته از عدم نظارت جدی و عدم شفافیت اطلاعاتی است، چنانکه قراردادی مانند کرسنت محصول نفوذ مفسدان و رانت‌جویان سیاسی و حرکت زیرپوستی و غیرشفاف در ساختار حاکمیت و در نتیجه، غفلت توده‌های مردمی بود» (روزنامه وطن امروز، ۱۳۹۵/۳/۱۰).

همچنین می‌توان به ورود این گروه به مسایل دانشگاه آزاد در دهه ۸۰ اشاره نمود. اعتراضات به مدارک تقلبی بعضی وزرای دولت وقت (حداصل سال‌های ۸۴ تا ۸۸)، اعتراض به فساد برخی چهره‌های اجرایی با سوابقی در دیگر قوا و برگزاری همایش «چه مثل چمران» نیز از دیگر اقدامات ایشان در دهه ۸۰ بود. در همایش «چه مثل چمران» از فرزند چه گوارا برای سخنرانی، به ایران دعوت می‌شود. او در این سخنرانی صریحا بر خداناباور بودن پدرش تاکید می‌کند (سایت آفتاب، ۵ مهر ۱۳۸۶). این مساله و مقایسه چمران با چه گوارا، سبب انتقاداتی به فعالیت‌های این جریان می‌شود. در بیانیه‌ای این جنبش عنوان می‌دارد «باید بکوشیم مانع فراموشی مرام و باور ... همه رهبران عدالت طلب تاریخ بشویم و با تقویت بنیان‌های فکری خود راه مبارزه با ستم و تلاش برای برقراری حکومت عدل در سراسر زمین را به جد پی بگیریم.» و همچنین در پایان بیانیه آرزو می‌کند «به امید روزی که حزب جهانی مستضعفین نبرد نهایی تاریخ را به سود خود رقم زده و بساط منحوس استکبار را از روی زمین برچیند». همچنین این تشکل به مناسبت درگذشت هوگو چاوز بیانیه‌ای صادر می‌کند و او را رهبر بی‌بدیل حق طلب و محور مقاومت معرفی می‌کند «هوگو چاوز بی‌شک یکی از این چهره‌هاست، که در مقابل استکبار جهانی ایستاد و همراه با ملتی در صحنه در برابر فشارهای تبلیغاتی و اقتصادی و سیاسی و حتی کودتا مقاومت کرد و نه تنها به اسطوره‌ای برای ملت ونزوئلا که به رهبری بی‌بدیل برای مردم حق طلب و عدالت‌خواه و آزادی خواه آمریکای لاتین و محوری برای مقاومت در دنیا تبدیل شد و در کنار انقلاب کبیر اسلامی و مقاومت اسلامی فلسطین و لبنان ایستاد.» و در پایان این اتفاق را ضایعه دردناک می‌نامد و آن را تسلیت می‌گوید «جنبش عدالت‌خواه دانشجویی این ضایعه‌ی دردناک را به مردم ونزوئلا و همه‌ی مستضعفین جهان ... تسلیت گفته و اعلام می‌دارد، نسل‌های جوان انقلاب کبیر اسلامی و هم چنین ملت‌های آزادی‌خواه و عدالت‌خواه و حقیقت طلب با کم شدن

سربازان و سرداران این مسیر از پای نمی‌نشینند و هم صدا با هم علیه متجاوزان به حقوق ملت‌ها و استکبار جهانی به حرکت درآمده و زمینه‌ی جبهه‌ی جهانی مستضعفین و حکومت بزرگ اسلامی را فراهم خواهند ساخت.» (کانال تلگرامی جنبش عدالتخواه).

در دهه ۹۰، و شروع به کار دولت هفتم سویه اعتراضات به سیاست‌ها و عملکرد رئیس این دولت سوق پیدا می‌کند، اما اتفاقاتی که در عرصه سیاسی و اقتصادی رخ می‌دهد، زمینه را برای موضع‌گیری آشکار و جنجالی این گروه فراهم می‌کند. از جمله اقدامات اعتراضی در تقابل با دولت هفتم، می‌توان به تجمع مقابل وزارت صمت در اعتراض به واردات بی‌رویه با شعارهایی چون «نقدینگی تولید خرج تجارت شده/ صنایع وابسته وبال ملت شده» و «سرمایه‌دار وابسته با آمریکایی بسته/ حمایت از خارجی بیش از این دیگه بسه»، «دشمن خودکفایی دشمن انقلاب است»، «توسعه وابسته فقط سراب است»، «خام‌فروشی منابع معدنی به خارج مساوی حاتم‌بخشی از بیت‌المال است»، «سازمان توسعه و تجارت خانه تیمی واردات»، «خام‌فروشی معادن بی‌غیرتی اقتصادی است»، «قرارداد تلویحی با ترکیه مساوی ترکمنچای اقتصادی» و «آقازادگان در لیست انتخابات اتاق بازرگانی چه می‌کنند» اشاره نمود (فارس، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۷).



شکل شماره ۲: طرد و به حاشیه رانی گفتمان دولت روحانی

همزمان با جدی شدن بحث توافقات هسته‌ای و مذاکره با آمریکا، انتقادات تند و بی‌پرده‌ای را به دولت وقت و مذاکره‌کنندگان شروع می‌کند. نامه‌های مختلفی به مراجعی چون امامان جمعه و نمایندگان مجلس می‌نویسند و برجام و مذاکره با آمریکا را برابر با تخطی از اصول انقلاب در زمینه استکبار ستیزی می‌دانند: «امروز استمداد جنبش عدالتخواه دانشجویی از عالمان دینی است تا مثل همیشه با نقش‌آفرینی تاریخی و به جای خود از تریبون نماز جمعه یا هر تریبون ممکن، مردم را از حقایق مطلع کنند و بستن راه نفوذ دشمن را از مسئولین مربوطه مطالبه نمایند. در شرایطی که برخی می‌کوشند روح استکبارستیزی را در کشور از بین ببرند، تأکید دوباره بر دلایل و اهمیت استکبارستیزی از سوی عالمان دینی دوچندان دارد». ویا در نامه به نمایندگان

مجلس برجام را تسلط اطلاعاتی دشمن می‌دانند و وظیفه تاریخی نمایندگان می‌دانند که در مقابل آن موضع‌گیری کنند. «برجام یعنی تسلط اطلاعاتی دشمن، برجام یعنی در کمال تعجب چه ما اعتراض کنیم چه ۱+۵، تحریم‌های ایران باز خواهد گشت. با این اوصاف آیا شما چنین توافق را شایسته شأن ملت بزرگ ایران می‌دانید؟». در جریان شهادت شیخ نمر این جریان با صدور بیانیه‌ای خواستار اخراج سفیر عربستان و قطع ارتباط با عربستان شد و با دعوت به تجمعات به این مساله اعتراض کرد. «این روزها همچون گذشته شکارچیان استعمار به جان پیشگامان رهایی و علمای راستین اسلام افتاده‌اند. علمای راستینی همچون آیت‌الله نمر که هرگز زیر بار ظلم و زور نرفته‌اند و یکه تاز صحنه‌ی نبرد حق علیه باطل بوده‌اند. امروز شاهد انفجار خشم استکبار و نوکرانشان ... هستیم.» (کانال تلگرامی جنبش عدالتخواه، دی ماه ۹۴). انتقاد از قوه قضاییه و رئیس وقت آن، نیز از دیگر فعالیت‌های شاخص و چالشی این گروه در این دهه است. به گونه‌ای که در نامه‌ای به جانشین وی از او خواستند که به شکایت‌های آنان در این خصوص رسیدگی شود. برگزاری اردوهای جهادی برای فقرزدایی نیز در برنامه‌های این تشکل جای دارد. این اردوها که با نام اردوهای جهادی هم از آن یاد می‌شود، در جهت رفع محرومیت در روستاها فعالیت می‌کند. در سال ۹۶ که با تعطیلی چندین واحد صنعتی و اخراج کارگران آن همراه بود و همچنین ورشکستگی چندین موسسه اعتباری نیز در این سال اتفاق افتاد، این گروه به برگزاری نشست و صدور بیانیه در این خصوص پرداخت. در این بیانیه‌ها به نشنیدن صدای کارگران و عدم رسیدگی به وضعیت آنان اعتراض کردند و نسبت به رواج «خوی طاغوتی» و «اشرافی‌گری» در میان مسئولین هشدار دادند. در سال ۹۸ نماینده این جنبش در حضور رهبری دغدغه‌هایش را مطرح می‌سازد و درخصوص موضوعاتی مانند برجام، غیرشفاف بودن نهادهای منسوب به رهبری، مرید پروری بجای جوان‌گرایی، خصوصی‌سازی افسارگسیخته صحبت می‌کند:

«بهتر نیست وقتی ولی فقیه خودش را در معرض پاسخگویی قرار می‌دهد، مسئولان بیت نیز از مصونیت انتساب به رهبری بیرون آمده و پاسخگویی عملکرد خود باشند؟ حضرت آقا؛ هر بار که موضوعی برای کشور حیثیتی شده، که نتیجه‌اش را مستقیماً در سرنوشت انقلاب اسلامی مؤثر می‌دانیم، با حربه‌ی مشترکی مواجهیم، که نامش را می‌گذارند «تصمیم نظام»!!! سؤال ما این است که دقیقاً این نظام چیست؟ که اتفاقاً تصمیماتش اکثراً برخلاف مشی انقلاب، منافع ملی و سخنان رهبری از آب در می‌آید؟» (پایگاه خبری انصاف نیوز، ۱۳۹۸).

از سویی این تشکل با توجه به خاستگاه عدالت طلبانه‌اش نسبت به مسایل فساد اقتصادی و یه ویژه خصوصی سازی نیز بسیار واکنش نشان می‌دهد، اگر این سخنرانی در حضور رهبری را چکیده دغدغه‌های آنان بدانیم حضور دغدغه خصوصی‌سازی بسیار پررنگ است. «همان‌گونه که

نگاه دولتی دهه ۶۰ خسارت بار بود؛ خصوصی‌سازی افسارگسیخته، بدون رعایت لوازمی نظیر شفافیت، نظارت، اهلیت و بخش‌های تأمین‌کننده منافع مستضعفین که در بندهای «ب»، «د» و «ه» ابلاغیه آمده بودند، نیز بحران‌زاست. لیکن آنچه تاکنون از نتایج حاصله‌ی خصوصی‌سازی دیدیم، لطمه به تولید ملی، تعمیق نابرابری و شکاف اقتصادی بوده است. انحراف فرآیند خصوصی‌سازی، ناشی از قدرت گرفتن جریان لیبرال در کشور و غلبه‌ی آنها بر مجاری تصمیم‌ساز است؛ که منجر شد تا اصل ۴۴ جای آنکه ذیل گفتمان اقتصاد مقاومتی (و مردمی کردن اقتصاد) طرح شود، در چارچوب تئوری‌های لیبرالی «دولت حداقلی» تعریف و اجرا شود. انتظار داریم با دستور شما یا قوه قضائیه، جلوی روند فعلی خصوصی‌سازی (تا زمان اصلاح این مدل) گرفته شود.»



شکل شماره ۳: برجسته‌سازی عدالت طلبی

همچنین، تشکّل مذکور در بیانیه‌های متعددی نسبت به فساد اقتصادی واکنش نشان می‌دهند و سرمایه‌داری را از علل آن می‌دانند: «ولنگاری اقتصاد فعلی و از جمله شتابزدگی در خصوصی‌سازی و واگذاری بیت‌المال، نفوذ جریان‌های سرمایه‌دار صهیونیست را در ارکان اقتصاد کشور به دنبال داشته است. واضح است استعمار اقتصادی، به دنبال خود استعمار سیاسی و فرهنگی را نیز خواهد داشت و جا دارد نگران حفظ میراث باقی‌مانده شهدا باشیم.» (کانال تلگرامی عدالتخواه).

شهرداری و شهردار وقت در نیمه دوم دهه هشتاد و نیمه اول دهه نود از دیگر سبیل‌های انتقادی جنبش عدالتخواه بوده و هنوز هم این انتقادات ادامه دارد. مساله املاک نجومی شهرداری نمونه‌ای از این زمینه‌های انتقادی است. بطور مثال این جنبش در بیانیه‌ای به تاریخ شهریور ۱۳۹۵ بطور ویژه به فعالیت‌های شهرداری تهران می‌پردازد و مطرح می‌سازد: «مسئله ما در واگذاری‌های املاک شهرداری تهران، قانونی و یا غیر قانونی بودن این واگذاری‌ها نیست! همانطور که در مسئله فیش‌های حقوقی نجومی نیز، مسئله، قانونی و یا غیر قانونی بودن آن حقوق‌ها نبود! مسئله‌ی ما ورای قانونی و یا غیر قانونی بودن این واگذاری‌ها، مسئله‌ی تبعیض، رانت، و بی‌عدالتی است که فرصت‌ها را به صورت ناعادلانه میان عده‌ی قلیلی توزیع کرده

است.» (کانال تلگرامی عدالتخواه). «تبعیض، راست و چپ ندارد، مبارزه با آن نیز اصولگرا و اصلاح طلب نمی‌شناسد. ما با همان منطقی که به فیش‌های حقوقی نجومی اعتراض کردیم، دقیقاً با همان منطق، به واگذاری املاک شهرداری به عده‌ای خاص اعتراض می‌کنیم. از دیگران نیز (از جمله رسانه ملی) مراقب باشند با قبیله‌گرایی سیاسی، صلاحیتشان را از دست ندهند!»

در اواخر دهه ۹۰ انشعابی در اعضای این گروه بوجود می‌آید. گروهی که به نظر می‌رسد با مواضع یکی از پدران معنوی این جریان نزدیکی دارند، مواضع انتقادی تندی نسبت به نظام را در پیش می‌گیرد. او در جریان ملاقات دانشجویان با کارگران زندانی پیشنهاد ملاقات با بعضی از فعالان سندیکای اتوبوس رانی و معلمان زندانی را که از مخالفان ساختاری جمهوری اسلامی هستند، را داد. همچنین، در نوشته‌هایی از تلاش مسولان نظام برای در محاق بردن جمهوریت نظام سخن گفت. پس از اعتراضات دی ماه ۹۶ و افزایش قیمت بنزین در آبان ۹۸ و پیامدهای پس از آن، عده‌ای از این عدالتخواهان به شرایط بوجود آورنده این اتفاقات، اعتراض کردند. این اتفاقات سبب شد در بهمن ۱۳۹۸، شورای مرکزی اتحادیه جنبش عدالتخواه دانشجویی که از ادوار این اتحادیه تشکیل شده است، این اعضا را استیضاح کند و این گروه از اعضای جنبش از جریان غالب آن کنار گذاشته شوند. بقیه اعضای جریان که با مرام اصول‌گرایی همخوانی داشتند به فعالیت خود با عنوان جنبش عدالتخواهی دانشجویی ادامه دادند.

توصیف

ارزش تجربی: واژگان ایدئولوژیک و ارزشی: عدالت، مفاسد اقتصادی، خصوصی‌سازی، سرمایه‌داری صهیونیست، ناکارآمدی، عدم شفافیت، قاچاق کالا و ارز، دنیا طلبی و مصرف‌گرایی، آفازاده، رانت، مستضعفین، محرومین، امپریالیسم، پایان اسرائیل، اشرافی‌گری، توسعه وابسته، بی‌غیرتی اقتصادی، فقرزدایی، خوی طاغوتی، جهان اسلام، جبهه جهانی مستضعفین، استقلال اقتصادی، حماسه اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، ایدئولوژی اسلامی، توسعه غربی، سرمایه‌داری لیبرال، مردم انقلابی، قبیله‌گرایی سیاسی، بازی سیاسی، بازخوانی آرمان‌های اصلی، سفته‌پروری، وحدت بازی، تجمل‌گرایی، جهان وطنی و دیپلماسی فرهنگی. این واژگان حول محورهای عدالت خواهی، مبارزه با فساد، مخالفت با سیاست‌های لیبرال، مبارزه با امپریالیسم و مخالفت فعال با صهیونیسم قرار دارد. عبارت بندی افراطی حول محور مساله مفاسد اقتصادی چشم‌گیر است، به گونه‌ای که در متون مختلف دال مرکزی است و به انحاء گوناگون به ذکر دلایل آن از جمله دنیازدگی، بی‌غیرتی و خوی طاغوتی و آفازادگی و... می‌پردازد. در واقع شیفتگی به این جنبه واقعیت نشان دهنده این است که «مبارزه با فساد» کانون مبارزه ایدئولوژیک این گفتمان است. شمول معنایی که در متون مربوط به این گفتمان دیده می‌شود، غلبه با گفتمان «چپ اسلامی» است. در متون مختلف «مردم»ی که مورد تاکید هستند، محرومین و طبقه فرودست هستند.

طبقه متوسط نقش خاصی در این گفتمان ندارد و طبقه مرفه که به عنوان «زالوصفتان» و «مصرف‌گرایان و دنیازدگان» از ایشان یاد می‌شود، اسم‌سازی و استفاده از جملات مجهول بنا به خاصیت متن که اعتراض‌هایی اساسی به مسئولین و مقامات است، در متن زیاد دیده می‌شود. بنا به شرایط جامعه نمی‌توان مسببان واقعی شرایط را مشخص نمود.

ارزش رابطه‌ای: چگونگی انتخاب کلمات به روابط اجتماعی بین مشارکین بستگی دارد و همچنین به ایجاد روابط بین ایشان کمک می‌کند. در متون مربوط به این گروه، تعبیر گزنده بسیار دیده می‌شود. سعی نمی‌شود بجای آن از موارد حسن تعبیر استفاده شود، بالعکس کاملاً عامدانه سعی می‌کند از گزنده‌ترین و شدیدترین کلمات استفاده کند. زالوصفتان، هم ارز کردن سرمایه‌داری با صهیونیسم، ماله‌کشی سیاسی،

جملات حاضر در متون این گروه، اکثراً از نوع پرسشی دستوری و امری است. مولف متن خود را در جایگاه صاحب حق و مقدسی می‌داند که بی‌پروا حق دارد بپرسد و بازخواست کند. واژگان رسمی بیشتر در متن دیده می‌شود از آنجا که متون اکثراً در قالب بیانیه هستند، هرچند در متون تصویری و یا مصاحبه‌های آنان می‌توان واژگان غیررسمی و عامیانه را مشاهده کرد. وجهیت رابطه‌ای در متون دیده می‌شود، این وجهیت با استفاده از افعال کمکی وجهی مانند بایستن، توانستن و... نمود می‌یابد. در واقع مولف این متون برای خود اقتدار خاصی قائل است، هرچند این اقتدار از جنس ضمنی و شبکه‌های قدرت ضمنی است. بطور مثال در نامه‌ای در تاریخ اسفند ۹۷ به ریاست وقت قوه قضاییه عنوان می‌کند «با توجه به اینکه ریاست قبلی این قوه چند سال است در ابلاغ و اجرای اصل ۱۴۲ قانون اساسی مبنی بر رسیدگی به اموال مسئولین کوتاهی کرده است، لطفاً در اولین فرصت اجرای این اصل را محقق کنید». نکته قابل توجه لحن نامه، به ریاست جدید قوه قضاییه است. این انتخاب کلمات و وجوه دستوری در سرتاسر نامه و در متون دیگر نیز دیده می‌شود. «ما»ی انضمامی در متن به وفور دیده می‌شود. مولف در جای جای صحبت‌ها، بیانیه‌ها و تصویرسازی‌ها بین خود و یک حوزه از مخاطب که «مردم انقلابی» می‌داند، هم ارزی قائل می‌شود.

ارزش بیانی: ارزش‌گذاری که مولف به فاعلان موجود در متن می‌دهد، در ارزش‌های بیانی بررسی می‌شود. مردم از جنس «انقلابی» هستند که دغدغه‌هایشان مورد توجه نیست، در هیاهوی دعوای سیاسی گم شده است. مردمی که «طعم فساد» را چشیده‌اند و از این وضعیت نارضایتی دارند. این گروه در مواضع‌شان احزاب سیاسی را گرفتار «بازی سیاسی» و «قبیله‌گرایی سیاسی» می‌داند، که درگیر «هیاهو و دعوای سیاسی» هستند و با «دغدغه‌های مردم فرسنگ‌ها فاصله دارند» و دچار «مصرف‌گرایی» و «اشرافی‌گری»، شده‌اند. جناح‌بازی سیاسی را عامل بوجود آورنده فساد اقتصادی در کشور معرفی می‌کنند. این گروه خود را گروهی از دانشجویان که

نسبت به وضع موجود انتقاد دارند و این انتقاد را مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌دانند، معرفی می‌کند. به وضوح عنوان می‌کنند خط مبارزه با فقر و فساد و تبعیض را بر اساس پیام رهبری، پیش گرفته‌اند.

تفسیر

دالّ مرکزی گفتمان جنبش عدالتخواه مبارزه با فساد در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. هر چند با توجه وضعیت جامعه تمرکز آن بر فسادهای اقتصادی است. در حول این گره گاه، دال‌های شناور مردم انقلابی، محرومین، مستضعفین، فقرزدایی، ناکارآمدی، عدالت، فرهنگ دنیا طلبی، مصرف‌گرایی، رانت‌خواری، توسعه وابسته، سرمایه‌داری لیبرال، بازی سیاسی و قبیله‌گرایی سیاسی و ... قرار گرفته است. دال‌های شناور در واقع نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند به شیوه خودشان و بر مبنای ارزش‌های گفتمان خودشان به آنان معنا دهند. غیریت‌سازی در متن پررنگ است، به نظر می‌رسد مولفان با هر شخص و گروه و نهادی که فکر کنند در حوزه ایجاد فساد نقش دارد، خط‌کشی می‌کنند. از رئیس سابق قوه قضاییه تا صدا و سیما و احزاب سیاسی چپ و راست و آفازده‌هایی که رانت‌خواری دارند. قابلیت دسترسی متون نیز بسیار بالاست. از منظر ادبیات قابل فهم که متن‌ها کاملاً با زبان ساده و قابل پذیرش به بیان مسائل جامعه می‌پردازد، از منظر وجود گفتمان‌های رقیب و توانایی رقابت این گفتمان با آنان نیز، جایگاه بالاتری گفتمان عدالتخواه دارد. این گفتمان نظر به شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور، قابلیت هژمونیک شدن دارد.

این گفتمان بین پاکدستی و دوری از جناح‌بندی سیاسی هم ارزی ایجاد می‌کند، در موقعیت‌های متفاوت تاکید می‌کند «بازی‌های سیاسی» و «جناح‌بندی‌های سیاسی» عامل بوجود آمدن شرایط موجود است. برای خود جایگاه نیروی سوم یا موج سوم جنبش دانشجویی قائل است. این موضوع از سوی پدران معنوی این گروه نیز به تکرار عنوان می‌شود. همچنین بین «رانت‌خواری آفازده‌ها» و «عدم پاسخ‌گویی بعضی از نهادها» و «فساد ساختاری» هم ارزی قائل می‌شود. و همچنین بین وجود فساد در جامعه و «سیاست‌های لیبرالی توسعه» هم ارزی قرار می‌دهد. برجسته‌سازی با ارجحیت گفتمان «عدالت طلبی» و «مبارزه با فساد» است. سعی می‌شود مظاهر عدالت طلبی برجسته شود، در این راستا نشانه‌هایی مانند «خصوصی‌سازی»، «سیاست‌های لیبرالی»، «ناکارآمدی»، «قبیله‌گرایی سیاسی»، «توسعه غربی»، «مصرف‌گرایی»، «عدم شفافیت» به حاشیه رانده می‌شود. در کنار این برجسته‌سازی و حاشیه رانی، باید عدم حضورها یا همان بحث همنشینی و جانشینی نیز اشاره شود. در گفتمان جنبش عدالتخواه، عدم

حضور دال‌هایی مانند «آزادی»، «دمکراسی»، «زنان»، «تنش‌زدایی»، «توسعه سیاسی»، «جامعه مدنی»، «حقوق اقلیت‌ها»، «امر روزمره» و «صلح طلبی» و ... است.

تبیین

هدف تبیین توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. در واقع، تبیین در نظر گرفتن گفتمان در مقام جزئی از روند مبارزه‌ی اجتماعی در بستر مناسبات قدرت است. متونی که از این گروه مورد بررسی قرار گرفت، تلفیقی از چارچوب نهادهای سیاست و رسانه به معنای عام آن بود. منظور از معنای عام رسانه، این است که همه متون در گذر از مجرای که در منظر عموم است، حاصل شده است. نهاد سیاست هم از این جهت معنا می‌یابد که هرچند این جنبش با ادعای دوری از سیاست و بکار بردن اصطلاحات «قبیله‌گرایی»، «سیاسی‌بازی» یا به میدان فعالیت می‌گذارد، اما بررسی زمینه‌های ظهور و رهبران فکری و جنس فعالیت‌های آن نشانگر پایه‌های سیاسی‌اش می‌باشد. مرور فعالیت‌های شاخص و تحلیل متون این گروه نشانگر آن است که گفتمان آن در تضاد عینی و شاخص با مدرنیزاسیون قرار دارد و بطور واضح آن را به چالش می‌کشد و گاه جایگزین برای آن ارائه می‌دهد. گفتمان‌های «خصوصی‌سازی»، «توسعه غربی»، «حقوق بشر» و ... را آشکارا طرد می‌کند، با گروه‌ها و اشخاصی که نسبت به این گفتمان‌ها نزدیکی دارند، خصومت می‌ورزد. آنان را کسانی می‌داند که سعی دارند از «آرمان‌های انقلاب» عبور کنند.

در بیانیه‌ای که در تاریخ ۹ دی ماه ۱۳۹۵ منتشر می‌کند، آشکارا رئیس دولت سازندگی را مجری سیاست‌های «مکتب‌نوسازی» معرفی می‌کند و سیاست‌های برگرفته شده از این اندیشه را عامل اصلی تمام مشکلات فقر، بیکاری، تورم و ... می‌نامد. «... الگوی استعماری «مکتب‌نوسازی» مبنای توسعه دولت سازندگی قرار گرفت و شدیدترین سیاست‌های توسعه‌ای ضدبومی و سرمایه سالارانه رانتی در کشور پیگیری شد. تکیه بر درآمدهای نفتی، برنامه‌ریزی مرکزسالارانه، آزادسازی نرخ ارز، سیاست‌های خصوصی‌سازی (به عبارت بهتر اختصاصی‌سازی) بی‌توجهی به استان‌های حاشیه‌ای و اقوام و فرهنگ‌های بومی و اجرای سیاست‌های بانک جهانی و صندوق جهانی پول از جمله این سیاست‌هاست...» (خبرگذاری دانشجویی، ۱۳۹۵/۱۰/۹). این تشکل بطور آشکار هدف جریان خود را در بیانیه‌ای که پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ با عنوان «مولفه‌های واقعی گفتمان عدالت از نسخه‌های بدلی تمیز داده شود» صادر می‌کند، مقابله با تبعات «توسعه غربی» مطرح می‌سازد «در فضایی که تبعات توسعه اقتصادی تقلیدی از غرب و پس از آن توسعه سیاسی ناموزون آثار خود را بر فضای کشور بر جای گذاشته بود، طیفی از دانشجویان و جوانان که مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی نگاهی انتقادی نسبت به اوضاع

جاری کشور و عملکرد قوای مختلف داشتند، با مرور سخنان امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب، خط مبارزه بی‌امان با فقر و فساد و تبعیض را که رهبری طی دو پیام به سران قوا و جنبش دانشجویی ابلاغ نمودند پی گرفتند و با سردادن شعارهایی چون مبارزه با مفاسد اقتصادی، لزوم توجه به محرومین و مستضعفین در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، لزوم مقابله با ویژه‌خواری‌ها، ضرورت آسیب‌شناسی مسیر حرکت نظام جمهوری اسلامی و امثالهم و اقدام عملی و اجتماعی منطبق با این اصول و شعارها، جریانی را شکل دادند که تحت عنوان «جریان عدالت‌خواهی» شناخته شد.»

صدور بیانیه برای درگذشت هوگوچاوز و یا برگزاری نشست «چه مثل چمران» که در بزرگداشت چه گوارا و با دعوت از فرزند او همراه بود، بیانگر همراهی این جریان با گفتمان چپ است. نام بردن از فیدل کاسترو و چه گوارا به عنوان نمونه‌هایی از رهبران عدالت طلب جهان، شیفتگی این جریان را با نظریات «وابستگی» در حوزه بنیان‌های نظری توسعه می‌توان در نظر گرفت. اگر دال‌های مرکزی گفتمان مکتب «وابستگی» را بدینی به کشورهای غربی، استعمار کشورهای غربی، الگوی سیستم اقتصادی مرکز و پیرامون، طرد نظام سرمایه‌داری، ... در نظر بگیریم، در گفتمان این جریان بسیار پررنگ حضورشان را شاهد هستیم. ضدیت با آمریکا و «امپریالیسم» خواندن آن در اکثر متون مربوط به این جریان به چشم می‌خورد. بطور مثال بیانیه‌ای که به مناسبت سیزده آبان منتشر می‌کند به کرات از آمریکا به عنوان نماد «امپریالیسم» و «استکبار» نام می‌برد. نکته شایان توجه در اینجا این است که به سیاق دفتر تحکیم در دهه ۶۰، سیزده آبان برای این جریان بسیار دارای اهمیت می‌شود و به گونه‌ای روز بزرگداشت دانشجو قرار می‌گیرد.

«سیزده آبان نماد مبارزه با استکبار جهانی و برافراشتن پرچم قیام و آزادی در برابر قدرت‌های شیطانی جهان است.» و «یا آنچه در برهه زمانی کنونی بیش از هر چیزی اهمیت دارد و باید مورد توجه قرار گیرد، این است که مبارزه ملت ایران با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکای جهان‌خوار، هنوز پایان نیافته و این ملت راسخ‌تر از گذشته در این مسیر پایمردی و استقامت می‌کند.» (۱۳ آبان ۱۳۹۲، کانال تلگرامی جنبش عدالتخواه).

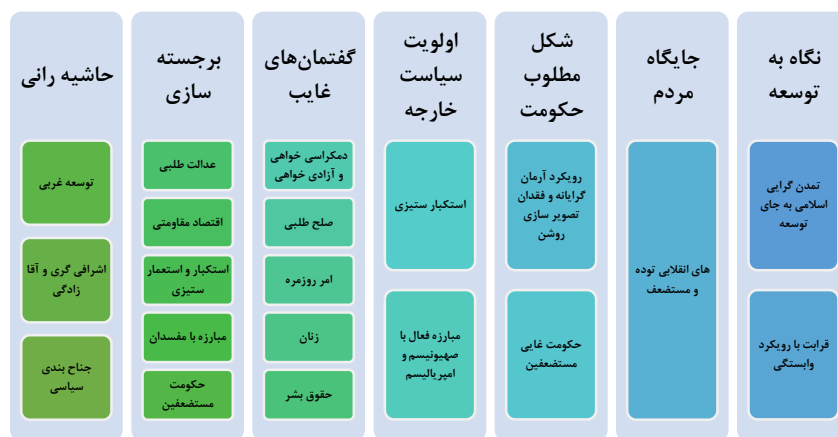
همچنین این تشکل در جریان مذاکرات برجام به دفعات نسبت به مذاکره با آمریکا موضع می‌گیرند و آن را «تسلط دشمن بر کشور»، «تخطی از اصول انقلاب در زمینه استکبار ستیزی»، «راه نفوذ دشمن» معرفی می‌کنند.

همان‌گونه که در بخش تفسیر عنوان شد، در گفتمان این جریان بعضی از مولفه‌ها حضور ندارد، بطور مثال مباحث مربوط به حقوق زنان در این گفتمان بسیار کم رنگ است. آنچه از زنان مطرح می‌شود با مطالبی که فعالین حقوق زنان در جامعه دنبال آن هستند، متفاوت و گاه در تضاد آشکار است. مساله ازدواج در سن پایین، در گفتمان فعالین حقوق زنان با عنوان «کودک همسری» نام برده می‌شود و در گفتمان این جریان ذیل «الگوی سوم زن» تفسیر می‌شود. «ممنوعیت ازدواج در سن پایین مسائلی را مطرح می‌کند که این امر را در ذهن آدمی تداعی می‌کند که ازدواج مانع پیشرفت یک زن می‌شود. در صورتی که ما می‌بینیم زنانی که چند مدرک دکتری و فوق لیسانس دارند، هم حضور اجتماعی موثری دارند و هم در زندگی شخصی خود بسیار موفق هستند. الگوهای زیادی در این زمینه در کشور ما وجود دارد که می‌توانیم ادعا کنیم راهی که انقلاب اسلامی درباره الگوی سوم زن پیش پای ما گذاشته است درست و دقیق بوده است» (کانال تلگرامی جنبش عدالتخواه). به علاوه، در سخنرانی‌هایی که این جریان با رهبران فکری خود برگزار می‌کند، توسعه‌گرایی دنباله تجددگرایی معرفی می‌شود. «در ادبیات توسعه انسان به دنبال رویایی است که از آن به نام بهشت زمینی یاد می‌کنند و در حقیقت مدافعان این رویکرد به دنبال الگوی توسعه هستند و نه کشف حقیقت.» و در پایان رحیم‌پور ازغدی مطرح می‌سازد که «تحول علوم انسانی، الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت و دهه پیشرفت و عدالت، همه نتیجه رویکرد تمدن‌گرایی اسلامی هستند و امام راحل، مقام معظم رهبری و شهید مطهری سردمداران این رویکرد می‌باشند.» (۱۷ شهریور ۹۳). در واقع این جریان توسعه را در مقابل رویکرد تمدن‌گرایی اسلامی قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در منظومه گفتمانی این تشکل «عدالت خواهی» را می‌توان به عنوان کانون منازعه ایدئولوژیک مطرح ساخت، این مرکز منازعه سبب موضع‌گیری‌های تند در عرصه سیاسی در جهت در دست گرفتن قدرت شده است. چالش‌ها و موضع‌گیری‌های این تشکل در سیر زمانی مورد بررسی این موضوع را آشکارا نشان می‌دهد. پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴، با تاکید بر دال گفتمانی «عدالت» و استفاده از این دال شناور در جهت ایجاد تقابل گفتمانی و دوقطبی سیاسی به وقوع پیوست. از سویی این گفتمان دارای قابلیت دسترسی بالایی در جامعه بود، از آنجا که هم با ادبیات عامیانه مفصل‌بندی شده بود و هم با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه قابلیت هژمونیک شدن داشت، توانست به گفتمان پیروز در انتخابات ۸۴ بدل شود. همچنین این تشکل با استفاده از این گفتمان و همچنین دال‌هایی چون فسادستیزی و ایجاد دوگانه مستضعفین و اشرافی‌گری در برهه‌های دیگر سعی کرد به گفتمان غالب تبدیل شود و حریف سیاسی را به حاشیه براند. به حاشیه راندن شهردار وقت تهران و رئیس

وقت قوه قضاییه نمونه‌های دیگری از این جنس است. این تشکل با استفاده از ارزش‌های رابطه‌ای و بیانی چون ترسیم جایگاه اقتداری و همچنین بکارگیری تعابیر گزنده در متون، سعی می‌کند به بر ساخت جایگاه ویژه در نظام سیاسی بپردازد. جایگاه خاصی که با طرد جناح‌های بندی سیاسی، مطرح کردن خود به عنوان نیروی سیاسی سوم سعی در بدست آوردنش دارد. این استراتژی با توجه به مرور تاریخی این سیر گفتمانی مشخص می‌سازد که در جهت دستیابی به قدرت استفاده می‌شود. در بررسی پیشینه مشخص شد سیر کنشگری دانشجویی در سطح بین‌المللی بیشتر به سمت مسائل صنفی در حرکت است، هرچند در این سطح نشانه‌هایی از ضدیت با گفتمان نئولیبرال و مباحث کالایی شدن آموزش مطرح است اما غلبه به مسائل صنفی است؛ نکته‌ای که در خصوص سایر تشکل‌های دانشجویی در ایران نیز می‌توان این روند را مشاهده نمود، اما در خصوص این تشکل این مسئله کاملاً در تضاد است. آرمان‌گرایی شدید، حضور دغدغه‌هایی در سطح جهانی که با دال‌هایی چون استکبار ستیزی، برپایی حکومت غایی مستضعفین، تمدن‌گرایی بازنمایی می‌شود، حکایت از این سیر معکوس در کنشگری این تشکل دارد. از سویی در بررسی گفتمان جنبش دانشجویی در ایران که محدود به بررسی گفتمان دفتر تحکیم وحدت است، سیری از آرمان‌گرایی مبتنی بر غرب ستیزی و عدالت‌خواهی در دهه ۶۰ تا برجستگی دال‌هایی چون دمکراسی خواهی، آزادی خواهی، جامعه مدنی و حقوق بشر در دهه ۸۰ دیده می‌شود. دال‌هایی که در گفتمان این تشکل غایب است. هرچند بین گفتمان این تشکل و گفتمان دفتر تحکیم دهه اول انقلاب قرابت‌هایی دیده می‌شود.



شکل شماره ۴: دال‌های اصلی گفتمانی تشکل جنبش عدالتخواه

دال‌های موجود در گفتمان این جنبش چون غرب ستیزی و هم ارز خواندن غرب با استکبار، غرب را عامل توسعه نیافتگی دانستن، اشتباه دانستن نسبت بین سنت و توسعه نیافتگی نظر به مبانی نظری مکتب وابستگی حاکی از قرابت گفتمان این تشکل با رویکرد وابستگی با تاکید بر

نظریات آندره فرانک و خاستگاه مارکسیستی آن دارد. هر چند این جریان با رد صریح و موضع‌گیری آشکار در مقابل ادبیات «توسعه»؛ بطور کل گفتمان توسعه را طرد می‌کند و بدنبال گفتمان جایگزینی با نام «تمدن‌گرایی اسلامی» هستند. تمدن‌گرایی اسلامی ادعا دارد با ادبیات توسعه بطور کل در تضاد است و جایگزینی بی‌بدیل است. در واقع این گروه توسعه را در مقام «کل» ندیده است. در حالی که توسعه در جمع‌بندی دیدگاه‌های متفاوت (تودارو، ۱۳۶۶) جریانی چندبعدی که مستلزم تجدید سازمان و تجدید جهت‌گیری مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور است. این نگاه چندبعدی به توسعه در گفتمان مورد اشاره حضوری ندارد. نکته‌ای که بطور آشکار از تحلیل متون مرتبط با این تشکل قابل استنباط است، قاطعانه و با بردن صریح نام رویکرد مدرنیزاسیون یا «مکتب‌نوسازی» را طرد می‌کند و همه وابستگان به این گفتمان را با تندترین تعابیر گزنده به حاشیه می‌راند.

گفتمان عدالتخواه در کلیت آن و به حیث دال‌های شناورش، قرابت قابل توجهی با رویکرد وابستگی در نظریه توسعه دارد، با این تفاوت مهم که نسبت بین مفاهیم غرب ستیزانه و مدرنیته گریز گفتمان عدالتخواه، نسخه‌ای رقیب از توسعه برون‌زا با الگوپذیری از توسعه غربی را پیشنهاد نمی‌دهد؛ بلکه عمدتاً ناظر بر بیم‌دهی پیوسته از عواقب تن دادن به چنین توسعه‌ای کار خود را تا آنجا پیش می‌برد که به لحاظ معرفتی از اصل توسعه و ضرورت آن عبور می‌کند و در افق پیش رویش به جستجوی نوعی تمدن‌سازی آرمان شهری می‌پردازد. در بطن چنین نگاهی به توسعه، تناقض آشکار نسبت به اصل اساسی و مشترک همه مدل‌های توسعه که گذار از جهان سنتی به سمت جهان پسا سنتی است؛ قرار دارد. به عبارت دیگر گفتمان عدالت‌خواهی برای غلبه بر فقر مفهومی در تعیین موضع‌اش نسبت به مقوله توسعه، احتمالاً ناخواسته وامدار مفاهیم نحله‌روسی از نظریه مارکسیستی به ویژه رویکرد ضد امپریالیسم مارکسیسم لنینیسم می‌شود و پیش از پرداخت مفهومی و معرفتی اصیل به چشم انداز غایی خود در قالب تمدن‌سازی مبتنی بر قرائت مطلوبش از اسلام، به پروردان مجموعه‌ای نسبتاً مفصل از مفاهیم معرف رویکرد ضد غربی و ضد توسعه‌ای‌اش، می‌پردازد. این مفهوم‌پردازی‌ها که از فرط تنوع و فراوانی مجالی برای موقعیت‌یابی در فضای یکپارچه گفتمانی نمی‌یابند و در نتیجه به راحتی با رقبای خود جایگزین می‌شوند، علاوه بر امکان‌پذیری فرایندی مداوم از افشاگری درون گفتمانی و برون گفتمانی، نوعی از فقدان یا حداقل ضعف در تعهد گفتمانی در درون قلمرو تشکیلاتی یا زمینه اجتماعی - انسانی گفتمان عدالتخواه را به دنبال داشته است. از این روست که همچون موج‌هایی از یک سونامی بطور پیوسته هر خیزش گفتمان عدالتخواه نه تنها بر سر گفتمان‌های رقیب و طرفداران آنها، بلکه بر سر وفاداران و مبدعان و مبلغان خودش نیز فرود آمده است.

منابع

- اباذری، یوسف، روزخوش، محمد، (۱۳۹۶)، «چپ اسلامی و توسعه لیبرالی در ایران»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۱، ۶۶-۴۱.
- پیت، ریچارد، هارت ویک، الین، (۱۴۰۱)، نظریه‌های توسعه مناقشات، استدلال‌ها و گزینه‌های بدیل، ترجمه: سلیمان میرزایی و عادل ابراهیمی، تهران: نشر لویه.
- تودارو، مایکل، (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه: غلامعلی فرجادی، تهران، انتشارات وزارت برنامه‌بودجه.
- جلائی‌پور، حمیدرضا، (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، تهران: طرح نو، چاپ اول.
- دوسوسور، فردینان، (۱۳۸۲)، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه‌ی کوروش صفوی، تهران: نشر هرمس.
- زندى، محمدمین، طوسی، فرشته (۱۴۰۱)، «فرایند طرد و حذف زنان در جنبش دانشجویی ایران»، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، ۴۷-۷۱.
- سایمون، دیوید، (۱۳۹۹)، پنجاه متفکر کلیدی توسعه، ترجمه‌ی مهدی فرهنگ‌نژاد، تهران: نشر ثالث.
- طاهری کیا، حامد (۱۴۰۲)، تکوین سوژه‌ی سیاسی در دانشگاه پساانقلابی، تهران: نشر گام نو.
- کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه: محمدرضا نفیسی، تهران: نشر مرکز.
- کلانتری، عبدالحسین (۱۴۰۰)، گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی، تهران: جامعه‌شناسان.
- کلانتری، عبدالحسین، (۱۳۸۷)، تطور گفتمانی دفتر تحکیم وحدت. (پایان‌نامه منتشر نشده دکترای جامعه‌شناسی سیاسی)، دانشگاه علامه طباطبایی، ایران.
- فرقانی، محمد مهدی، (۱۳۸۱). تحول گفتمان توسعه سیاسی از انقلاب مشروطه تا پایان دهه دوم انقلاب اسلامی، (پایان‌نامه منتشر نشده دکترای ارتباطات)، دانشگاه علامه طباطبایی، ایران.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه: فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- محمدپور، احمد، ایمان، محمدتقی، (۱۳۸۷)، «بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۹۱، ۲۷-۲۱۳.
- محمدپور، احمد، (۱۳۹۷)، ضد روشن، تهران: نشر لوگوس.

- ندروین پیترز، جان. (۱۳۹۴). *نظریه توسعه: فرهنگ، اقتصاد، جامعه*. ترجمه: انور محمدی. تهران: گل‌آذین.
- نش، کیت، (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- هزارجریبی، جعفر، صفری‌شالی، رضا. (۱۳۹۲). گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۶۱، ۴۱ تا ۴۴.
- یورگنسن، ماریان؛ فیلیس، لوئیز. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- Chambers, T., & Phelps, C. E. (1993). Student activism as a form of leadership and student development. *NASPA Journal*, 31(1), 19-29.
- Dugan, J. P., & Komives, S. R. (2010). Influences on college students' capacities for socially responsible leadership. *Journal of College Student Development*, 51(5), 525-549.
- Mashayekhi, M. (2001). The revival of the student movement in post-revolutionary Iran. *International Journal of Politics, Culture, and Society*, 15(2), 283-313.
- Mohammadi, M. (2007). *Iranian University Students' Politics in the Post-Reform Movement Era: A Discourse Analysis*. *Iranian Studies*, 40(5), 623-634.
- Hopkins, P., & Todd, L. (2015). Creating an intentionally dialogic space: Student activism and the Newcastle Occupation 2010. *Political Geography*, 46, 31-40
- Ibrahim, J. (2011). The new toll on higher education and the UK student revolts of 2010–2011. *Social Movement Studies*, 10(4), 415-421.
- Ibrahim, Yousaf (2010), "Between Revolution and Defeat: Student Protest Cycles and Networks", *Journal of Sociology Compass*, Vol. 4, No.7: 495–504.
- Rheingans, R., & Hollands, R. (2013). "There is no alternative?": Challenging dominant understandings of youth politics in late modernity through a case study of the 2010 UK student occupation movement. *Journal of Youth Studies*, 16(4), 546-564
- Rivetti, P. (2012). Student movements in the Islamic Republic: shaping Iran's politics through the campus. Iran: *A Revolutionary Republic in Transition*, 81-100.
- Suoranta, J. & Fitz Simmons, R. (2017). The Silenced Students: Student Resistance in a Corporatized University. *Cultural Studies ↔ Critical Methodologies*, 00(0), 1–9.
- Kezar, A., & Maxey, D. (2014). Collective action on campus toward student development and democratic engagement. *New Directions for Higher Education*, 2014(167), 31-41.
- Van Stekelenburg, J., & Klandermans, B. (2013). The social psychology of protest. *Current Sociology*, 61(5-6), 886-905.